

قابل توجه خوانندگان گرانقدر دریچه نظر خواهی! عطف توجه به نوشته های مسموم کننده عبيدالله نام!

مسأله استقرار و یا عدم استقرار پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان یکی از مسائل داغ روز و حیاتی کشور ما میباشد، که در باره آن مقاله ای بتاريخ ۲۱ فروری ۲۰۱۱ از این قلم در دریچه نظر خواهی پورتال ملی و وزین افغان جرمن آنلاين گذاشته شد.

تا امروز ۹ جون بیشتر از ۱۶۵ نوشته از نویسندگان و صائب نظران امور افغانستان و منطقه در این باره به دریچه نظر خواهی مواصلت کرده و همگی (چه موافق و چه مخالف) به نشر رسیده اند.

در جمله این نظر ها بیشتر از ۱۲۰ نظر موافق ارائه شده و در حدود ۳۰ نظر مخالف ابراز گردیده است. بقیه به فرموده حضرت شمس، بر زین بی اسب سوار شده و به هر استقامت تاخته اند، بدون اینکه نظر واضح و صریح خویش را ابراز کرده باشند.

در زمره آنانی که همچو سوار کاران بدون اسب میباشند، شخصی بنام عبيدالله (که اسم فامیلی و محل سکونت خود را کتمان کرده و به یقین یک نام مستعار است) طوریکه از پرداخت نوشته هایش پیداست می بایستی از اجیر شدگان رژیم آخندی ایران باشد، بعد از ۴ ماه خموشی دفعتاً بیدار شده و یا بیدارش کرده اند و به خدمتش گرفته اند تا برای تخریب مفکوره امضای توافقنامه ستراتیژیک افغانستان و امریکا فعالیت نماید. موصوف سعی کرده است تا مردم ستم دیده افغان در برابر هجومات فیزیکی و فرهنگی رژیم های همانند ایران و پاکستان کاملاً خلع سلاح باشند. او را مأمور ساخته اند تا به هر قیمتی شده مفکوره استقرار پایگاه ها را در بطن ویران و قبل از عملی شدنش نابود کند و مردم افغانستان را بر ضد آن بسیج سازد.

از تاریخ اول تا امروز ۹ جون یعنی در ظرف کمتر از ده روز این آقا سیزده نوشته برای تخریب این موضوع برون داده است یعنی در هر روز یک اعشاریه چند نوشته!! به این ترتیب دیده می شود که این کار یکنفر نبوده بلکه فعالیت یک تیم منظم و یا یک سازمان است.

ولی مخرب ترین نوشته اش که بتاريخ اول جون ۲۰۱۱ در این دریچه به نشر رسیده است، باصطلاح متن پیش نویس توافقنامه ستراتیژیک افغانستان و امریکا را از قول سائیتی بنام «اسلام تایمز»، از ساخته های آخوندان در ۹ ماده بدون معرفی کدام مؤخذ درست و معتبر بیرون داده است و هر سطر آن خود تصدیق میکند که این نوشته از هیچ گونه حقانیت برخوردار نبوده و کلمه به کلمه آن مولود توطئه و تخریب کاری نظام آخوندی حاکم بر ایران است که خواسته اند با یک متن دروغین در اذهان عامه افغانستان تخم تشویش، نگرانی و نفاق بکارند.

من همه سایت های انترنتی را مرور کردم تا اگر اثری از این نوشته را با کدام منبع موثق و قابل اعتبار بدست آرم. بالاخره موفق شدم منبع آنرا که یک سایت ایرانی میباشد دستیاب نمایم. هنگام ته و بالا رفتن به سایت «اسلام نیوز» متوجه شدم که این سایت، متن ساختگی و جعلی مسوده توافقات ستراتیژیک افغانستان و امریکا را از منبع سائیتی بنام «کلبه نیوز*» و سایت «بیداری اندیشه» که هر دو ایرانی میباشند، نقل کرده است. شما با مطالعه این متن جعلی متوجه می شوید که اصطلاحات بکار رفته در تسوید این متن دروغین اصلاً در افغانستان مورد استعمال ندارند و این خود ثبوت جعلی بودن سند تقلبی مورد بحث است.

مثلاً گفته شده «متن [پیش نویس] توافقنامه ستراتیژیک افغانستان و امریکا». ما در افغانستان بصورت قطع [پیش نویس] نمی نویسیم و برای این کلمه [مسوده] را استفاده می کنیم. و کلمه [ستراتیژیک] را نیز تنها ایرانی ها و ایرانی بوی ها بطور غلط [ستراتیژیک] می نویسند.

و یا وقتی از سرمقاله نویس جریده نیویارک تایمز حرف میزند [ستون نویس] را برای (سرمقاله نویس) بکار برده است که در افغانستان اصلاً معمول نیست.

در خود متن کلمات بیشمار یا بگفته خود ایرانی ها «واژه» های بیشمار ایرانی بکار رفته اند که استفاده از آنها در متون رسمی و غیر رسمی افغانستان اصلاً مروج نمی باشد.

مثلاً «بهینه سازی» برای «انکشاف» - «میزان» برای «اندازه» - «خودرو» برای «موتور» - «هوا پیما ها» برای «طیارات» - «سوخت گیری» برای «تیل گرفتن» - «کنترل» برای «کنترول» - «ارتش ملی و پلیس ملی» برای «اردوی ملی و پولیس ملی» - «پیمانکار» برای «اجاره دار یا قراردادی» - «انبار» برای «تحویله خانه» - «دبیر کل» برای «منشی عمومی» - «آفریقا» برای «آفریقا» مانند امریکا و کرزای و زلمای.

این اصطلاحات ایرانی در مواد دوم، سوم، چهارم و پنجم این مسوده جعلی بکار رفته اند و این خود تصدیق مینماید که مسوده مذکور در افغانستان و در ادارات دولت تسوید و طرح نشده است و تدوین چنین یک متن غلط و جعلی یک دروغ محض و یک توطئه نابخشودنی دشمنان افغانستان میباشد و تکثیر و پخش آن (آنهم از طرف یک افغان یا بنام یک افغان) میتواند خیانت بزرگی محسوب گردد.

ولی نابخشودنی ترین اصطلاحی که برای «افغان» و «افغانی» در این متن جعلی بکار رفته است، کلمه «افغانستانی» است که صرف میتواند از طرف همسایه غربی افغانستان یعنی نظام آخوندی حاکم بر ایران برای توهین و تحقیر افغانها استعمال گردد.

در ماده هفتم -

زیر عنوان «قراردادها» بند یک آمده است :

«نیروهای آمریکایی براساس قوانین امریکا مجوز عقد قرارداد برای خرید مواد و دریافت خدمات لازم در افغانستان را دارند و آنها را از هر منبعی که میخواهند تهیه میکنند. نیروهای آمریکایی بنا به ضرورت اطلاعات لازم مربوط به اسامی شرکت‌های وارد کننده و طرف قرار داد افغانستانی و مبالغ قرارداد هارا بنا به درخواست دولت افغانستان در اختیار مقامات افغانستان قرار میدهد.»

البته هر افغان وطن پرست متوجه میشود که استعمال چنین کلمه خجالت بار فقط برای کم زدن و حقارت افغان هاست که این مزبله خواری صرف در نظام آخوندی حاکم بر ایران وجود دارد که از طرف همسایه غربی ما برای دشمنی با هویت و وحدت افغان ها، بطور حساب شده ایجاد شده است. و در افغانستان صرف از دهن های گندیده غلامان و فروخته شدگان به ایران بدر می آید. ایمان دارم هیچگاه در یک متن رسمی افغانستان از این کلمه فتنه انگیز استفاده نمی شود و این خود گواه جعلی بودن این نوشته است که باید جناب عبيدالله با دانشی که دارد متوجه می شد و چنین متن دروغین، جعلی و خائنه را به نشر نمی رسانید.

یک تن از نویسندگان آگاه، دانشمند و وطن پرست افغان، که من به ایشان سر تعظیم فرود می آورم، از برتانیه چندین بار به نوشته های غرض آلود و مخرب عبيدالله نام تبصره نمودند که همه بسیار برحق، عالی و بجا بودند ولی با پاسخ های تند، احساساتی و بدور از منطق مذکور مواجه شدند.

تأثر در اینجاست که از ورای نوشته ها و تبصره های این شخص معلوم میشود که باید آدم دانشمند و آگاه به مسائل سیاسی و اجتماعی افغانستان باشد، ولی از طرف دیگر دیده می شود که بدبختانه به عوض اینکه برای منافع وطن خود بیاندیشد برای منافع همسایه های غدار فعالیت میکند. چقدر شایسته است که دانشمندان ما مانند نمک بر گندگی ها فایق آیند نه اینکه خود با گندگی ها بر ضد وطن خود بیامیزند.

هرچه بگنند نکمش می زند و ای به آن روز که بگنند نمک

عبيدالله نام مذکور در باره پایگاه های امریکا در آلمان می نویسد :

«آلمان بعد از شکستش در جنگ عمومی دوم یک مملکت اشغال شده از جانب ۴ قدرت بزرگ آن زمان (شوروی، امریکا، فرانسه و انگلستان) بود. نتنها امریکا بلکه سه قدرت دیگر نیز پایگاه های نظامی شانرا در آلمان ایجاد کرده بودند. و در ایجاد آن، دولت ویا مردم آلمان اجازه تصمیم گیری را نداشتند. اما مردم آلمان همیشه علیه این پایگاه بوده اند. که مثال برجسته آنرا میتوان در جنبش های محصلین بین سالهای ۶۸ و ۷۳ مشاهده کرد. که در اخیر امر این جنبش ها تاپه تروریستی را خوردند و سرکوب شدند. با آنهم حکومت های آلمان توانستند در ظرف ۵۰ سال با زیرکی خاصه خودشان تمام این پایگاه را ببندند و خود عضو ناتو شود.

در قالب پیمان ناتو معمول است که این ممالک تاسیسات نظامی محدود در کشور های عضو داشته باشند. همینطور در آلمان که خودش حالا به یک قدرت نظامی و اقتصادی تحول کرده، تاسیسات نظامی محدود امریکا موجود است که شرایط قرارداد آن با قرارداد پایگاه های نظامی بعد از جنگ عمومی دوم بکلی متفاوت است.»

همچنان چیز هایی راجع به جاپان و کوریای جنوبی نوشته اند که ذیلا به اختصار به جواب شان می پردازم:

جناب عبيدالله خان!

شما مینویسید «... مردم آلمان همیشه علیه این پایگاه بودند.» آیا شما کدام محقق امور آلمان هستید؟ شما کدام ژورنالیست معروف بسویه احمد رشید پاکستانی هستید؟ در آنصورت کجاست آثار شما و کجاست کتاب ها و تالیفات شما؟ یا شما ممکن با چندین میلیون آلمانی گپ زده آید و سوال و جواب کرده آید و به این نتیجه رسیده آید؟ که معلوماتار نه چنان است و نه چنین !!! پس شما این سخنان را از دل تنگ تان بیرون آورده آید که اصلا حقایق ندارند. از جانب دیگر اگر هم حلقه های از مردم آلمان با حضور قطعاعات امریکایی مخالف بوده باشند دلیل آن این بوده که در آنوقت آلمان ها مکلف به پرداخت غرامات کمر شکن جنگ بودند و حضور نیرو ها فشار پرداخت این غرامات را بر آنها بیشتر می ساخت.

ولی کشور ما اولاً یک کشور متجاوز نبوده و نیست و ثانیاً یک کشور شکست خورده یک جنگ نیست و یک مملکت اشغال شده نیز نمیباشد و مکلف به پرداخت تاوان جنگ هم نیست. ثالثاً اگر احصائیه های محدود را اساس قرار دهیم غالباً اکثریت مردم ما با حضور پایگاه های نظامی امریکا و حتی ناتو در افغانستان مؤافق اند، زیرا از لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی ضرورت حضور اینگونه پایگاه ها را احساس میکنند. چه این پایگاه ها یک عنصر مثبت در انکشاف اقتصادی و تأمین امنیت کشور ما تشخیص شده میتواند و برای مردم ما امکانات کافی مقاومت و دفاع را نیز فراهم میسازد.

در مورد جاپان و حضور پایگاه های نظامی امریکا بحضور شما و خوانندگان برسانم که جاپان هم مثل آلمان بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان یک کشور متجاوز و شکست خورده پایان جنگ بود و کاملاً و بجا بود که پایگاه های امریکا در آن کشور ایجاد شود، بدون آنکه مؤافقت دولت و مردم جاپان برای آن تقاضا گردد.

توجه داشته باشید که کوریای جنوبی همیشه رئیس جمهور انتخابی داشته تا کنون دوازده یا سیزده رئیس جمهور از طرف مردم انتخاب شده اند و هرگز دست نشاندۀ ای در آنجا منصوب نشده است. این کوریای شمالی بود که از خیرات سر کمونیزم شما یک شخص نوکر ماسکو برای بیشتر از سی و چند سال در راس آن نصب گردیده بود که آن کشور را بسوی فقر، نیستی و قهقرا برده است.

درست است که در گذشته ها مسائل مربوط به اقامت عساکر امریکایی و تعقیب ارتکاب جرایم توسط آنان زیاد در قرارداد های مربوطه مورد دقت قرار نمی گرفته است، اما امروز تدابیر مؤثر برای تحت کنترل آوردن عرصه جرایم نظامیان امریکا تهیه و ترتیب و به معرض اجرا قرار داده میشود. وقایعی که در عراق روی داد، همه مورد تعقیب قانونی قرار داده شدند.

بخش زیاد سؤالاتی را که جناب عبیدالله مطرح کرده است، طی مقالات و نوشته های مورد بحث در همین درجه نظرخواهی به همه آنها جواب ارائه شده است و لازم نیست من آن همه توضیحات و پاسخ ها را تکرار کنم. جناب عبیدالله را محترمانه دعوت میکنم که همه نوشته های موجود را به دقت و بدون نظر منفی قبلی مطالعه فرمایند همه سؤالات شان مرفوع میگردد. فقط تفاوت اوضاع و احوال و ساختار های کیفی و ماحولی کشور ها را حین مقایسه باید در نظر بگیرند. و قبول کنند که کوریای جنوبی امروز از کشور های معظم، قوی و با اقتصاد پیشرفته اش در منطقه بشمار میرود.

نقطه مهم دیگری که بناغلی عبیدالله در باره آن قلم فرسایی کرده اند عبارت از دسته بندی مؤافقان ایجاد پایگاه های امریکایی در افغانستان میباشد که با تأسف این نظر شان نیز با واقعیت مطابقت ندارد.

اولاً گروپ های تنظیمی و قوماندان سالاری به آن صورت اولی آن دیگر وجود ندارد. تعداد قلیلی که به صورت اولی بازگو کننده آرمان های آنها میباشد، با عروج و حضور قطعات جامعه بین المللی منجمله امریکا قدرت خویش را از دست داده اند، بناءً چگونه با ایجاد پایگاه های امریکا مؤافق خواهند بود؟ ولی اکثریت عظیم متعلق به این خط (اپوزیسیون غیر مسلح) که از وضعیت واقعی کشور مسؤولانه آگاه اند، با حضور پایگاه های امریکایی مخالفتی ندارند. عبیدالله و آنانیکه فکر میکنند ما نباید از درک همسایه های خود ایران و پاکستان تشویش داشته باشیم در اشتباه اند، چه در فقدان یک نیروی متناسب، قوی و فعال نظامی در افغانستان این مأمول میسر نخواهد بود. تنها وجود پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان است که خطر مداخله و تجاوز همسایگان مغرض و طماع ما را بر علیه منافع ملی وطن ما مرفوع خواهد ساخت. به اینگونه خواهیم توانست از امنیت و سلامت افغانستان عزیز که برای همه ما اهمیت حیاتی دارد دفاع و حراست نمائیم.

این بود نکات عمده پرسش های دسیسه آمیز عبیدالله نام که با حوصله فراخ و دقت نظر، به هر یک طور مشخص پاسخ ارائه شده و واضح گردید.

در اخیر از کارکنان محترم و مسؤولین عالیقدر پورتال وزین و ملی افغان جرمن آنلاین جداً خواهش و تقاضا دارم جمله نوشته های فتنه انگیز، مخرب و ویرانگر این آقا را از نشر باز دارند و این خدمتی خواهد بود بس بزرگ.

نهم جون ۲۰۱۱

* ایرانی ها نسبت کدام تکلیف هجره (آ) و (ه) و (ا) و (و) تلفظ میکنند. بطور مثال (امریکا) را (آمریکا) ، (افریقا) را (آفریقا) ، (کرزی) را (کرزای) و (زلمی) را (زلمای) و همچنین (کلبه) را (کلبه) ، (فاطمه) را (فاطمه) ، (کرده) را (کرده) ، (نموده) را (نموده) و غیره